

## تحلیلی بر تاسیس و فعالیت موسسات اعتباری

جناب آقای حسن کلهر

کارشناس اقتصادی بانک تجارت

بسمه تعالی

### مقدمه

طی یکی دو سال اخیر گام‌های جدیدی در روند ساختار اقتصادی و در جهت رفع اختلالات اقتصادی از جمله آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصاد برداشته شده است، این در حالیست که ۷۸۵ اقتصادکشور از جمله آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصاد برداشته شده است، این در حالیست که ۷۸۵ اقتصادکشور بدلائیل گوناگون در اختیار دولت است و بموجب برنامه اول توسعه فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از میزان سرمایه‌گذارها توسط دولت انجام گردیده است! در هر حال دولت در یک چرخش اقتصادی به این باور دست یافته که بجای «دخاله»، بایستی به امر «هدایت» و «نظارت» بپردازد.

تجربه سالهای پس از انقلاب در خصوص مدیریت بانکهای ملی که بعنوان قدرتمندترین بخشهای اقتصاد، دست دولت را بسمت خود دراز کرده‌اند! نشان میدهد که اداره امور بانکها بر «انحصار» استوار بوده و بهمین دلیل مدیریتهای دولتی توانسته‌اند بموفقیت‌هایی دست یابند و اساساً «کیفیت»، «سرعت» و «نوآوری» در خدمات بانکی جای خود را به «سودآوری» برای افزایش درآمد و کارگزاری دولت داده است.

وسعت این سازمانهای مالی (بویژه پس از ادغام)، پیچیدگی مقررات و حجم امور آنها موجب شده تا کنترل آنها مشکل‌تر و احتمال فساد در آنها بیشتر گردد.

طبیعت «دولتی بودن» بانکها، ضرورت برنامه‌ریزی و نوآوری را برای مدیریت و انگیزه و کارآئی را

برای کارکنان زایل نموده است. بطوریکه بگفته ریاست کل بانک مرکزی، بانکها هنوز خدمات خود را با کیفیت ۵۰ سال پیش ارائه مینمایند!

تاسیس موسسات اعتباری غیربانکی، قدمهای اولیه در مسیر خصوصی سازی و در عین حال ایجاد رقابت، تحرک و پویائی سیستم و خدمات بانکی محسوب میگردد.

### بررسی ظرفیت و توجیهات اقتصادی

در مورد اینکه هنوز در ظرفیت اقتصادی و بانکی کشور خلاءای برای فعالیتهای موسسات مالی غیربانکی وجود دارد یا خیر و اساساً تاسیس اینگونه موسسات از دیدگاه امکان سنجی اقتصادی، موجه میباشد یا نه، از اعداد و ارقام بشرح زیر کمک میگیریم:

۱- تعداد واحدهای بانکی متناسب با رشد جمعیت (۳۰ به ۶۰ میلیون) افزایش نیافته در حالیکه اسکناس و مسکوک منتشره از ۹۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ بمبلغ ۵،۸۹۱ میلیارد ریال (۵۴۰٪) افزایش یافته است. در نتیجه بعلت افزایش حجم ریالی و عددی اسکناس، همواره ازدحام در مقابل گیشه تحویلداران وجود داشته که مآلاً منجر به اتلاف وقت و نارضایتی مردم گردیده است.

۲- بعلت عدم اشاعه و ترویج فرهنگ استفاده از پول تحریری و خرید اعتباری از یکطرف عادت مردم به سیستم بانکی از طرف دیگر، ملاحظه میگردد که از ۵،۸۹۱ میلیارد ریال اسکناس و مسکوک موجود (در سال ۷۱) تنها ۵۳۲ میلیارد ریال (۹٪) در سیستم بانکی تودیع و بقیه یعنی ۵،۳۵۹ میلیارد در دست اشخاص بوده است! این نشان میدهد که جامعه دارای امکانات بالقوه و نهفته پولی بسیار برای جذب است.

۳- حجم پول در گردش که در سال ۱۳۵۷، حدود ۱،۲۳۶ میلیارد ریال بوده در پایان سال ۱۳۷۱ به حدود ۱۶،۳۶۸ میلیارد ریال (۱،۲۲۰٪ رشد) افزایش یافته است و این امر حاکی از افزایش اسکناس و پول تحریری (حسابهای دیداری) است که در حال حاضر برخی از بانکها از گشایش اینگونه حسابها بدلیل افزایش حجم کاراکراه می‌ورزند<sup>۱</sup> (نگارنده شاهد چند مورد معرفی مشتری به بانکهای دیگر بوده است!)

۴- حجم شبه پول (حسابهای پس انداز (کوتاه مدت) و سپرده بلند مدت) که در سال ۱۳۵۷، حدود ۱،۳۷۷ میلیارد ریال بوده، در پایان سال ۱۳۷۱ بمبلغ ۱۹،۴۹۸ میلیارد ریال افزایش یافته (۱۳۰۰ درصد رشد)!

۱- متأسفانه بررسی افزایش تعداد این حسابها (مقایسه سال ۵۷ تاکنون) که عامل تعیین کننده برای افزایش حجم کار بانکهاست، مقدور نگردید.

- ۵- میزان نقدینگی سیستم بانکی، (پول در جریان + شبه پول) که در سال ۱۳۵۷، حدود ۲،۵۷۸ میلیارد ریال بوده، در پایان سال ۷۱ به ۳۵،۸۶۶ میلیارد ریال و در پایان سال ۷۲ (براساس سری‌های زمانی) به ۴۵،۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است! (۱۶۰۰ درصد رشد)
- و بدیهی است که ثبت و ضبط و نگهداری این حجم ریالی و عددی نقدینگی در سیستم بانکی، حجم کاری فوق‌العاده‌ای را می‌طلبد.
- ۶- رشد نقدینگی که مقرر بود در سال ۱۳۷۲، از ۱۵٪ تجاوز ننماید، عملاً تا ۳۰٪ افزایش یافت و این امر به دلیل فشارهای صنایع و واحدهای تولیدی به بانکها برای تامین هزینه‌های سرمایه‌ای و عمدتاً سرمایه در گردش حجم با ارز تعدیلی بود و بنظر میرسد این عارضه در سال ۷۳ تشدید گردیده و رشد تسهیلات، و مآلاً نقدینگی، را موجب شود.
- ۷- بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی که در شروع برنامه اول توسعه فرهنگی - اقتصادی (۷۲ - ۶۸) حدود ۱۳،۵۰۰ میلیارد ریال بود و مقرر گردیده بود که تا پایان برنامه اول توسعه صفر شود، عملاً با توجه به تبصره‌های مختلف بودجه، از مرز ۲۰،۰۰۰ میلیارد ریال در پایان ۷۲ گذشت! و اداره امور و کنترل پیچیده این حجم تسهیلات اعتباری هم بر عهده تعداد کمی از متخصصین و کارشناسان بانکهاست.
- ۸- تعداد کارکنان بانکها در سال ۱۳۵۷، حدود ۷۶،۲۶۰ نفر بود که در سال ۱۳۶۱ به ۶۹۱۸۹ نفر کاهش یافت و در حقیقت از راس هرم نیروی انسانی سیستم بانکی حدود ۷۰۷۱ نفر خارج گردیده‌اند. نیروی انسانی فعلی که مرکب از نیروهای جدیدالاستخدام قاعده هرم! نیز میباشد حدود ۱۱۸،۲۲۲ نفر است.
- ۹- کارآئی نیروی انسانی بدلائل مختلف از جمله حاکمیت سیستم دولتی، نبود انگیزه، عدم ارضاء شغلی، عدم آموزش‌های حرفه‌ای مطلوب و بطور کلی ضعف دستگاهها در بهره‌وری بهینه و انگیزش نیروهای متخصص، در سطح مطلوب و مناسبی نمیباشد.
- ۱۰- سازمان بانکها بدلیل «گسترده‌گی» و سیستم آنها بلحاظ «پیچیدگی»، فاقد کارآئی مفید و مترقی است.
- ۱۱- سیستم بانکی با انجام خدمات دولتی نظیر دریافت قبض آب، برق، تلفن، مخابرات، گاز، راهنمایی و رانندگی، پرداخت حقوق کارکنان دستگاههای دولتی و دهها خدمات مشابه دولتی دیگر از یکطرف و درگیر شدن در حجم کلان تامین مالی دستگاههای دولتی، عملاً به «بانک کارگزار دولت» تبدیل شده و در نتیجه در ارائه خدمات صحیح و سریع اولیه مشتریان، از سرعت و کیفیت لازم برخوردار نیست.

## دیدگاهها و استراتژی کلی

بطوریکه از آئین نامه تاسیس و مقررات موسسات اعتباری غیربانکی مستفاد می‌گردد، عمده مشخصه‌های آن مربوط است به فصل اول و دوم از قسمت سوم قانون پولی و بانکی کشور (مباحث تاسیس و نحوه فعالیت بانکها) و حتی در قسمتی از بند ه - ماده ۳۱ - الف مبادرت به تعریف موسسات اعتباری غیربانکی بشرح زیر نموده است:

«موسسات اعتباری غیربانکی، موسساتی هستند که در عنوان خود از نام بانک، استفاده نمی‌کنند ولی به تشخیص بانک مرکزی ایران واسطه بین عرضه کنندگان،<sup>۱</sup> و متقاضیان وجوه و اعتبار میباشند و عملیات آنها در حجم و نحوه توزیع اعتبارات، موثر است.»

بنابراین باستثناء «محدودیت ناشی از افتتاح و نگهداری حسابهای دیداری»، عملاً موسسات اعتباری از پتانسیل اهرمهای مالی و اعتباری بالقوه‌ای می‌توانند برخوردار باشند و بنظر میرسد محدودیت‌های آئین نامه‌های بانک مرکزی بیشتر به لحاظ کنترل بر حفظ اعتماد و سلامت عملیاتی این موسسات که بعنوان بخشی از شبکه بانکی کشور محسوب می‌گردند باشد نه تحدید عملیات آنها، بطوریکه در ماده ۲۲، اجازه مبادرت به عملیات ارزی (با مجوز بانک مرکزی) نیز صادر گردیده است و در ماده ۲۶ تصریح گردیده که موسسات اعتباری میتوانند با اجازه بانک مرکزی و در چهارچوب قوانین پولی و بانکی کشور و عملیات بانکی بدون ربا، به سایر عملیاتی که در این مقررات تصریح نشده است مبادرت نمایند.

مستفاد از ماده فوق‌الذکر (۲۶)، بانک مرکزی هر گونه فعالیت و عملیات موسسات اعتباری را محصور در قوانین و مقررات جاری بانکی نموده، بنابراین موسسات اعتباری نمیتوانند خارج از آن مانوری داشته باشند. از جمله اینکه اعطای تسهیلات توسط اینگونه موسسات همانند بانکها، تابع سیاست توزیع بخشی اعتبارات است و...

اهمیت تاسیس و فعالیت موسسات اعتباری کم از بانکها نیست، تاثیر این موسسات در قدرت فزاینده پول<sup>۱</sup> و همچنین حجم و توزیع تسهیلات، آنها را نمودی از بانکها قلمداد میکند. قلمرو فعالیت موسسات اعتباری از نظر حجم و توزیع تسهیلات و سایر موارد بمشابه انتشار سهام جایزه در شرکتهای سهامی در مقابل حقوق صاحبان سهام است (بدون افزایش حقیقی و فقط بمفهوم سرشکن کردن سود شرکت در تعداد سهام) و این موسسات بواقع رقبائی در کنار بانکها هستند که همگی از «یک منبع» تغذیه میکنند. بنابراین آنها هم سهمی از ۷,۰۰۰ میلیارد ریال خالص افزایش تسهیلات

۱- قدرت پول‌سازی بانکها  $(m = \frac{1}{r+s})$  و تاثیرپذیری قدرت فزاینده  $m$  از «وجوه نقد  $(r)$ » و «سپرده قانونی  $(s)$ »

مصوب قانون بودجه ۷۳ خواهند داشت. البته بعید بنظر میرسد که با توجه به نیاز مالی مضاعف و متورم<sup>۱</sup> صاحبان صنایع و واحدهای تولیدی، این رقم پاسخگوی نیازهای اعتباری کشور باشد (همانطور که در سال ۱۳۷۲ چنین شد! بطوریکه رشد نقدینگی عملاً از ۱۵٪ پیش‌بینی شده به ۳۰٪ رسید!) بهر حال احیای مؤسسات اعتباری پس از انقلاب نقطه عطفی در گسترش بازارهای مالی متشکل در ایران محسوب می‌گردد و در صورت تقویت باورهای اجتماعی و ذهنیت‌های عمومی بویژه نگرش و دیدگاه مثبت سیاست‌گزاران پولی و بانکی، میتوان امیدوار بود که با هدایت و نظارت مرکزی این مؤسسات و عملکرد مثبت و محافظه کارانه خود آنها، قدم‌های بلندتری در راه گسترش و توسعه شبکه‌های بانکی و مالی برداشته شود. بدین منظور برخورد هوشمندانه و محتاطانه اقتضاء میکند که بانک مرکزی در صدور مجوز این مؤسسات با تأمل و تفحص بیشتری اقدام نماید و در شروع این حرکت از صدور مجوزهای متعدد خودداری نماید تا احتمالاً شالوده اعتماد عمومی به سیستم پولی و بانکی به مخاطره نیفتد.

### تجهیز منابع

وجود تورم و در نتیجه کاهش ارزش پول در حال حاضر نه تنها منافعی را برای سپرده‌گذاران در بر ندارد، بلکه نقش یکی از خصیصه‌های تعریف شده پول یعنی اصل «حفظ ارزش» نیز در اقتصاد کمرنگ گردیده زیرا نرخ سپرده‌های بانکی (ولو از نوع بلند مدت آن) حتی جبران نرخ تورم را نمیکند. و چون غیر از «بانک‌ها» و اخیراً «بورس»، در حال حاضر بازار پولی سازمان یافته و متشکلی وجود ندارد و بعلاوه بدلیل نامشخص بودن وضعیت صنایع، جایگاه واقعی و موفقیت سازمان بورس و اوراق بهادار هنوز زیر سؤال است، بنابراین مردم عادی که عمدتاً از طبقات غیرمرفه جامعه هستند، به هوس سود بالاتر، وجوه خود را نزد تجار و بازارهای غیررسمی می‌نهند و با مشکلات جدی مواجه می‌گردند. (اینان دانه را می‌بینند ولی دام را نمی‌بینند!)

از طرفی علاوه بر مردم عادی، بدلیل رکود نسبی در اقتصاد و صنعت بویژه در بخش مسکن، تجار و صاحبان حرف و مشاغل نیز ترجیح میدهند وجوه خود را از بخش‌های مولد خارج و بدلیل عدم سودآوری مناسب «زیر سرخود» یا در «بانک» بگذارند. (اگرچه تنها ۹٪ میزان اسکناس در بانکها تودیع شده و ۹۱٪ بقیه، پول در دست اشخاص است.)

در هر حال بدلیل عدم سودآور سرمایه‌گذاری و در عین حال اشکال در سیاست جلب سرمایه‌های پراکنده و بی‌ثباتی مقررات ارزی و قیمت‌ها، اکثر سرمایه‌ها پنهان و بلا تکلیف بوده و

احتمالاً در بازارهای ناشناخته و غیرمتمرکز پولی و معاملات دلالی و تجاری حبس است. از این رو بنظر می‌رسد برنامه‌ها و سیاستهای در دست مطالعه بانک مرکزی مبنی بر افزایش نرخ سود سپرده‌ها (تا ۱۸٪) و اجازه اعطای ۱٪ سود بیشتر روی سپرده‌ها به موسسات اعتباری (تا ۱۹٪)، موجب سمت‌دهی و سوق بیشتر نقدینگی به بانکها و موسسات اعتباری گردد. زیاده‌تر صورت تحقق این امر تصور نمی‌رود فعال شدن بورس نیز بدلیل تجارب تلخ تاریخی و ناباوری مردم، عدم وجود فرهنگ لازم بین توده، نبود بازارهای در دسترس، ضرورت تخصص اقتصادی خریداران، وجود ریسک و وجود مالیات بتواند نسبت به جلب و جذب سرمایه‌ها موفقیت چندانی کسب نماید. بویژه آنکه دولت هنوز در خصوص انتشار اوراق قرضه دولتی موفق به ارائه راه‌حلهای لازم شرعی و تکنیکهای سودآور و جلب انگیزه برای صاحبان این اوراق نگردیده است.<sup>۱</sup> از این رو و از جهت آنکه تودیع سپرده در بانک دارای مزایای زیر است:

- عدم وجود ریسک

- معافیت مالیاتی

- دسترسی به بازار پولی مربوط (بانکهای متعدد)

- امکان سریع و سهل دستیابی به پول (قابلیت تبدیل دارایی)

- امکان دریافت سود در مقاطع کوتاه

- شناخت و عادت مردم نسبت به این قبیل سرمایه‌گذاریها

مردم ترجیح می‌دهند در صورت برخورداری از سود مناسب، سپرده‌های خود را نزد بانکها و موسسات اعتباری تودیع نمایند. آمار مقایسه‌ای سپرده‌های سیستم بانکی کشور حاکی از آنست که سپرده‌های پایان سال ۱۳۷۲ (۳۷،۳۱۷ میلیارد ریال) نسبت به سپرده‌های پایان سال ۱۳۵۷ (۱۷۷۶ میلیارد ریال)، حدود ۲،۱۰۰ درصد رشد داشته است.

بنابراین بانک به دلیل سوابق طولانی، اقتدار مالی و ضمناً اعتمادی که بین مردم کسب کرده‌اند، طبیعتاً باید موفقیت‌های زیادی داشته باشند، اما بنا به دلایلی که در آغاز مقاله عنوان شد، در حال حاضر بانکها در ارائه سرویس خوب و سریع به مشتریان از موفقیت کامل برخوردار نیستند و موسسات اعتباری میتوانند با شناسائی، تبلیغات مناسب، سیستم تشویقی و انگیزشی مناسب، خدمت سریع و نوین به مشتریان و مدیریت خصوصی، با بانکها به رقابت سالم بپردازند و از مجموعه پتانسیل مالی جامعه برخوردار شوند.

۱- در کشورهای سرمایه‌داری بدلیل امنیت سرمایه و روشن بودن مواضع دولتها در مورد آن و بویژه نبود محظورات مذهبی و قانونی در مورد پرداخت بهره، متجاوز از دهها نوع اوراق قرضه رایج است.

یکی از عواملی که ممکن است در جذب سپرده و موفقیت موسسات اعتباری تاثیر بگذارد موضوع امنیت و تضمین سپرده‌هاست. در ماده ۴ از فصل دوم قانون بانکداری بدون ربا اشاره گردیده است که: «بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و نیز می‌توانند بازپرداخت اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه نمایند.

اگر چه بانکها به دلیل اعتماد دیرینه مردم نسبت به آنها تاکنون نسبت به بیمه نمودن سپرده‌های خود اقدام ننموده‌اند، ولی اصلاح است این امر در موسسات اعتباری، مورد توجه و تأمل قرار گیرد.<sup>۱</sup> بنابراین با توجه به نوبنیاد بودن این موسسات (پس از انقلاب اسلامی)، بنظر میرسد چنانچه این موسسات بتوانند حداقل در کوتاه مدت و در شروع کار نسبت به تضمین و یا بیمه نمودن سپرده‌های خود اقدام نمایند از موفقیت و پیشرفت بیشتری برخوردار خواهند بود.<sup>۲</sup> اگرچه در حال حاضر سابقه و سیستم استانداردی در مورد بیمه سپرده‌های بانکها نزد موسسات بیمه ایران وجود ندارد، ولی با تحقیقاتی که بعمل آمده برخی از موسسات بیمه دارای نوعی بیمه بنام «بیمه ریسکهای متنوع» میباشد که بیمه سپرده بانکها میتواند در این قالب بگنجد. (البته این موضوع، بدلیل تازگی نیازمند بررسیهای همه جانبه از سوی موسسات بیمه می‌باشد).

بدیهی است در صورت ضرورت اتخاذ چنین سیاستی، مبلغی که به نسبت حجم سپرده‌ها به عنوان «حق بیمه» پرداخت می‌گردد، به هزینه تجهیز منابع افزوده میگردد و با توجه به عدم اجازه افتتاح حسابهای دیداری (قرض‌الحسنه جاری) و قلت حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که میزان آنها نسبت به سایر انواع سپرده تنها ۳٪ است اجباراً موسسات مالی - اعتباری ناگزیر از تحمل «هزینه پول» بالاتری نسبت به بانکها خواهند بود و بدیهی است که موسسات مذکور این افزایش هزینه را باید با ابتکار عمل و مدیریت کارآمد متضمن بهینه کردن منافع و کمینه کردن هزینه‌ها جبران نمایند. منظور از سپرده‌های مدت‌دار موضوع بند ۲ ماده ۱۷ آئین‌نامه موسسات اعتباری، صرفاً سپرده‌های بلند مدت نبوده بلکه هر دو نوع سپرده‌های بلند مدت و کوتاه مدت را شامل میگردد و چون از لحاظ ترکیب نیز سپرده‌های کوتاه مدت ۲۷/۶٪ و سپرده‌های بلند مدت ۲۳/۴٪ جمع سپرده‌های سیستم بانکی را تشکیل میدهند، بنابراین اصولی است که در محاسبات مربوط به بازدهی، از میانگین نرخ دو نوع سپرده استفاده شود.

- ۱- حتی در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، بدلیل خصوصی بودن بانکها و موسسات مالی - اعتباری، موسسات بیمه مخصوص (مانند "Federal Deposit Insurance Corporation" F.D.I.C در آمریکا) وجود دارند که سپرده‌های بانکها و موسسات مالی را بیمه می‌کنند.
- ۲- اگرچه دیدگاههای روانشناختی و جامعه‌شناسی مردم ایران نشان‌دهنده تمایل آنها بسمت سود بیشتر است تا ایمنی بیشتر و مصداق بارز آن، شرکتهای مضاربه‌ای است.

در خصوص سایر ابزار تجهیز منابع که در آئین نامه تحت «انتشار اوراق مشارکت و اوراق مشابه» اشاره شده، طبق اطلاعات حاصله، بانک مرکزی با استفاده از ابزار اقتصادی بخصوصی موسوم به «Bond Participating»<sup>۱</sup> یا «Profit - Sharing» در حال مطالعه طرحی مشابه است که در این صورت امکان بیشتر طرق تأمین سرمایه و منابع مالی برای موسسات اعتباری وجود خواهد داشت. در خصوص انتشار اوراق قرضه (قرض الحسنه) نیز مطالعاتی برای جلب انگیزه خریداران به صورت جایزه و غیره در دست تهیه است.

در مورد دریافت تسهیلات از اشخاص حقیقی و حقوقی (استقراض داخلی و خارجی) نیز با توجه به سیاستهای اخیر، ضوابطی از سوی بانک مرکزی و دولت در دست تهیه است که چنانچه با گشاده نظری برخورد گردد، امید تأمین منابع از این طریق نیز برای موسسات اعتباری وجود خواهد داشت و بنظر میرسد بانکها و موسسات مالی خارجی با توجه به خصوصی بودن موسسات اعتباری، تمایل به اعطای تسهیلات به آنها را داشته باشند.

بحث دیگر اینکه، موسسات اعتباری همانند بانکها، طبق قانون پولی و بانکی ملزم به تودیع درصدی از سپرده‌های خود نزد بانک مرکزی میباشند. اگر چه نسبت آن توسط ریاست کل محترم بانک مرکزی، ۱۵٪ پیش‌بینی شده ولی میزان دقیق آن بویژه در ارتباط با انواع سپرده‌ها از طریق شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد.

مطلب دیگر اینکه با توجه به تورم موجود در اقتصاد، طبق «تئوری مقداری پول» به شرح زیر:

$$P \cdot T = M \cdot V + M' \cdot V'$$

چون بدلیل رکود اقتصادی، T پائین آمده و از طرفی طی سالهای اخیر، دولت بخاطر افزایش هزینه‌های عمرانی و جاری (مانند طرحهای زیربنایی، جنگ، حوادث قهری، آوارگان، مهاجرین، افزایش حقوق کارکنان و...) برای تأمین کسر بودجه مبادرت به نشر اسکناس و استقراض<sup>۳</sup> نموده، لذا M بالا رفته است و چون M یکی از عناصر نقدینگی و شبه پول (M') یکی از اجزاء دیگر آنست، بنابراین سمت چپ معادله یعنی P بالا رفته، بویژه آنکه عامل منفی T هم به آن کمک کرده است. از سوی دیگر طبق تئوری علیت و رابطه علت و معلولی، افزایش P بعنوان عاملی محسوب

۱- این اوراق در بازارهای پولی به اسناد قرضه‌ای گفته می‌شود که علاوه بر یک ربع معین تضمین شده، در منافع موسسه ناشر اوراق نیز سهیم است. فرهنگ منوچهر - فرهنگ علوم اقتصادی - ص ۱۱۹.

۲ - P = سطح قیمت‌ها      V = سرعت گردش پول

T = معاملات (تولیدات)      M = میزان شبه پول

M = حجم پول      V = سرعت شبه پول

۳- آمار این دو قلم و میزان رشد آنها قبلاً ارائه گردید.

میگردد تا دولت علیرغم مشی انقباضی خود، مجدداً اقدام به افزایش  $M$  و در نتیجه  $M'$  نماید. آمارهای قبلی ارائه شده در مورد افزایش حجم اسکناس و نقدینگی مصداق این نظریه است. نتیجه اینکه با توجه به شرایط فعلی، حجم پول و شبه پول (سپرده‌ها) و بطور کلی نقدینگی رو به تزاید است (اگرچه ارزش واقعی آن کم می‌باشد). بهرحال با افزایش پول و سپرده‌ها، حجم کار دستگاههای پولی مانند بانک و موسسات مالی افزایش خواهد یافت.

### تخصیص منابع

طبق ماده ۱۹ آئین‌نامه موسسات اعتباری، این موسسات می‌توانند به اعطای تسهیلات اعتباری در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مبادرت نمایند، بنابراین دایره فعالیت اعتباری این موسسات محدوده نبوده و همانند بانکها میتوانند از ابزارهای اعتباری موضوع قانون عملیات بانکی استفاده نمایند.<sup>۱</sup> یکی از ابزارهای سنگین تسهیلاتی «مشارکت حقوقی» و «سرمایه‌گذاری مستقیم» میباشد که با وجود چهارچوبها و کنترلهائی که در مورد آن اعمال خواهد شد، میتواند موجب آثار مالی و اعتباری شایان توجه برای اینگونه موسسات باشد.

بموجب مواد ۲۰ و ۲۱ آئین‌نامه موسسات اعتباری، حداکثر تسهیلات اعطائی (سقف کلی) نباید از ۱۵ برابر مانده حساب سرمایه تجاوز کند و حداکثر تسهیلات به هر شخص (سقف فردی)، نمیتواند بیش از ۱۰٪ مانده حساب سرمایه باشد.

لازم به توضیح است که «مانده حساب سرمایه» از دیدگاه مالی شامل حساب سرمایه، اندوخته قانونی، سایر اندوخته‌ها، صرف سهام، سود سنواتی و سود تقسیم شده می‌باشد که اصطلاحاً «حقوق صاحبان سهام» نامیده می‌شود.

علیرغم محدودیتی که شورای پول و اعتبار بویژه در مورد سقف کلی تسهیلات اعمال نموده و ممکن است در ظاهر امر بعنوان مانع تلقی گردد، لیکن با قبول این اصل که ادامه حیات و حیثیت موسسات اعتباری با سلامت کار و اعتماد عمومی نسبت به آنها پیوند خورده، ملاحظه می‌شود که این محدودیت‌ها بمنظور جلوگیری از لجام‌گسیختگی و عبارتی مهار اعتباری اینگونه موسسات می‌باشد و طبیعتاً در شروع کار موسسات اعتباری لازم می‌باشد. «همانطور که طبق مواد ۳۴ و ۳۵ آئین‌نامه

۱- نظر باینکه در متن قانون و در آئین‌نامه اجرائی مربوط و همچنین دستورالعملهای مصوب شورای پول و اعتبار کلاً اختیار و اجازه فعالیتها، صرفاً به «بانکها» داده شده است، بنابراین فعالیت موسسات اعتباری در قالب عملیات بانکداری بدون ربا و جهت قانونی نداشته و لازمست ماده واحده‌ای توسط مجلس محترم شورای اسلامی در مورد شمول تمام یا قسمتی از قوانین و مقررات بانکی در مورد موسسات اعتباری به تصویب برسد.

اعتباری، اینگونه موسسات می‌باشد و طبیعتاً در شروع کار موسسات اعتباری لازم می‌باشد. (همانطور که طبق مواد ۳۴ و ۳۵ آئین‌نامه اعتباری، اینگونه موسسات مجاز به اعطای تسهیلات به اعضای ارکان خود و موسسات تابعه و... خارج از ضوابط بانک مرکزی نیستند.)

طبق تحقیقاتی که بعمل آمده، محتملاً پس از شناخت و ارزیابی بیشتر از عملکرد این موسسات، بانک مرکزی انعطاف بیشتری در خصوص موضوع از طریق تبعیت حد نصابهای مذکور از «سپرده‌های موسسات اعتباری» مانند بانکها قائل خواهد شد و این امر بستگی به شرایط، عملکرد و موفقیت اینگونه موسسات دارد.

موسسات اعتباری باید توجه داشته باشند که فعالیت آنها منحصرأ در چهارچوب قوانین و مقررات موضوعه، بویژه سیاستهای پولی و اعتباری انجام می‌گیرد، بنابراین در برنامه‌ریزی و مشی اعتباری خود از جمله «چگونگی تخصیص منابع»، باید ضوابط و سیاستهای «توزیع بخشی تسهیلات» را مد نظر قرار دهند. از اینرو اینگونه موسسات (باستثناء موسسات تخصصی)، نمیتوانند تسهیلات خود را صرفاً در یک رشته فعالیت مانند بازرگانی بکار گیرند، براساس سیاستهای بانک مرکزی، اینگونه موسسات نمیتوانند بیش از ۱۱٪ از منابع خود را به «یک بخش» تخصیص دهند، بنابراین تصور صرف منابع با سودهای بالا خطاست.

از طرفی با توجه به محدودیت‌های مختلف، بانک مرکزی نمیتواند این موسسات را به الزامات اعتباری دولتی مانند تسهیلات تکلیفی، تسهیلات سوبسیدی یا طرحهای سرمایه‌ای سنگین و بلند مدت متعهد نماید بلکه اصلح است این موسسات در مسیر مجاز و منتخب خود، اقدام به تسهیلات هر چه کوتاه مدت و زود بازده‌تر نمایند و خاصه آنکه بمنظور گردش (Turn Oyer) بیشتر منابع و جلوگیری از جمود تسهیلات، استراتژی اعتباری خود را بسمت تسهیلات کوچک و متعدد سوق دهند، زیرا اینگونه موسسات در مقایسه با بانکها نیازمند حزم و دوراندیشی بیشتری در چگونگی «صرف منابع» و همچنین «تامین» آنها می‌باشند.

### رشته فعالیت

طبق مواد ۷ و ۸ آئین‌نامه موسسات اعتباری، تاسیس موسسات اعتباری تخصصی به صورت شرکتهای عام یا خاص ولی تاسیس موسسات اعتباری عمومی فقط بصورت شرکت سهامی عام با سهام با نام مجاز است.

نظر باینکه شالوده موسسات اعتباری بر اعتماد و باور داشت مردم استوار است، چنانچه این موسسات از هر نوع، بصورت شرکت سهامی عام اقدام به «پذیره نویسی» نمایند، تحقیقاً از جایگاه و مقبولیت بیشتری برخوردار خواهند شد.

در خصوص نوع و مسیر فعالیت این موسسات دو استراتژی متفاوت وجود دارد: از یک طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بعنوان متولی دستگاه پولی و بانکی کشور در صدد سوق دادن فعالیت این موسسات بسمت خلاءهای اقتصادی تخصیص منابع و اولویت دادن به فعالیت‌های تخصصی بانکی مانند مسکن، کشاورزی و صادرات است که بدلیل برگشت طولانی منابع و ارزان بودن تسهیلات و همچنین نیازمندی به تخصص‌های لازم، بانکهای تجاری و بطور کلی موسسات اعتباری رغبتی برای انجام آن نشان نمیدهند. جدول زیر عملکرد اعتباری بانکها را از طریق مقایسه بودجه و عملکرد و انحراف از استاندارد در سال ۱۳۷۱ نشان می‌دهد:

بخش اقتصادی	سهم (%) بودجه	سهم (%) عملکرد	انحراف
کشاورزی	۲۰	۱۷/۲	-۲/۸
مسکن و ساختمان	۳۲	۲۴	-۸
صنعت و معدن	۳۷	۴۵	+۸
بازرگانی، خدمات و متفرقه	۱۱	۱۳/۸	+۲/۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۲۱/۶

بطوری که ملاحظه می‌شود قدر مطلق انحراف بودجه، ۲۱/۶ یا ۲۲٪ است. از طرف دیگر، استراتژی موسسات اعتباری و بانکهای تجاری حکم می‌کند که عمدتاً در معاملات هر چه کوتاه مدت‌تر، زود بازده‌تر، سودآورتر، کم سرمایه‌تر و کم ریسک‌تر مانند بخشهای بازرگانی، خدمات و بخش تخصیص منابع اشاره شد، موسسات اعتباری بدلیل نوبنیادی و عدم بنیه مالی قوی (در مقایسه با بانکها) قادر نخواهند بود مانور وسیعی در معاملات کلان و بلند مدت داشته باشند و یا منابع ارزانقیمت تخصیص دهند.

وجود این دو استراتژی متضاد اگرچه در آغاز ممکن است بر سر راه موسسات اعتباری محدودیت‌هایی را فراهم نماید ولی قطعاً با تعدیلاتی که بانک مرکزی در سیاستهای خود با اینگونه موسسات معمول خواهد نمود، راه همواره خواهد شد، گویانکه موسسات اعتباری نباید رسالت خود را بعنوان یک نهاد اقتصادی در خدمت جامعه فراموش کنند.

بهرحال چون بانک مرکزی اولویت تاسیس و فعالیت را در امر موسسات تخصصی بویژه مسکن قرار داده، بنابراین بر مدیران این موسسات است که بدنبال رشته‌های فعالیتهایی باشند که تامین‌کننده اهداف اقتصادی و هم منافع صاحبان سرمایه موسسه باشد.

از آنجا که تاسیس هر تشکیلات یا سازمانی با ماهیت و ویژگیهای موسسات اعتباری در حکم

«موسسه اعتباری» تلقی و نیازمند و مجوزات و تشریفات لازم از بانک مرکزی است، بنابراین تشکیل موسسات فرعی و اقماری برای موسسات اعتباری با اهداف ویژه تجهیز و تخصیص منابع متصور نیست.

مواد ۲۲ و ۲۶ آئین‌نامه موسسات اعتباری صراحت دارد که موسسات اعتباری امکان مانور عملیاتی در زمینه امور ارزی و سایر فعالیتهای مجاز بانکی با اجازه بانک مرکزی را خواهند داشت، بنابراین بنظر می‌رسد بانک مرکزی چشم‌اندازهای کاری لازم از نظر تنوع برای موسسات اعتباری را از نظر دور نداشته است.

### بازدهی

همانطور که قبلاً بیان شد موفقیت موسسات اعتباری بستگی به عوامل گوناگون برون سازمانی و درون سازمانی دارد که متعاقباً بدانها اشاره خواهد شد، اما برآورد و محاسبه بازدهی فعالیت این موسسات نیز به پارامترهای متعددی وابسته است که در مورد آنها هم همواره قانون احتمالات حاکم است. بمنظور تعیین و بعبارتی تخمین بازدهی موسسات اعتباری نیازمند مفروضاتی بشرح زیر می‌باشیم:

### مفروضات

- A - سرمایه (تمام پرداخت شده): ۵ میلیارد ریال
- B - نرخ سود پرداختی به سپرده‌ها: با توجه به ترکیب حسابهای کوتاه مدت و بلند مدت که بصورت آماری - تجربی حدود ۵۰ - ۵۰ می‌باشد، می‌توان میانگین حداکثر سود این دو نوع ابزار را که در سیستم بانکی حاضر بعنوان بلند مدت حدود ۱۶٪ و برای کوتاه مدت ۸٪ است، بعنوان «هزینه‌های بهره‌ای» قلمداد کرد (با احتساب ۱٪ افزایش نرخ در مورد موسسات اعتباری)
- |                         |                      |
|-------------------------|----------------------|
| حداکثر نرخ بلند مدت     | $16 + 1 = 17\%$      |
| حداکثر نرخ کوتاه مدت    | $8 + 1 = 9\%$        |
| جمع                     | $26\%$               |
| میانگین نرخ تجهیز منابع | $26 \times 2 = 13\%$ |
- C - براساس فرض نگهداری قسمتی از نقدینه (تقریباً ۱٪) برای پاسخگویی به تقاضاهای متعارف سپرده‌گذاران، مبلغی باید بصورت رسوب نقدینه (Vault Cash) در صندوق نگهداری گردد که طبیعتاً تاثیر منفی بر روی منابع خواهد گذارد.
- واحد - خالص منابع قابل تخصیص  $99 \# 99\% \times 100$
- D - براساس مقررات پولی و بانکی، حدود ۱۵٪ سپرده‌ها بعنوان سپرده قانونی باید نزد بانک مرکزی

تودیع گردد که آنهم از منابع قابل مصرف خواهد کاست:

واحد - منابع قابل مصرف پس از وضع سپرده قانونی  $۸۵ = ۱۰۰ \times ۰.۸۵$

E - با توجه به حدود  $۱/۵\%$  سود روی  $۱۵\%$  سپرده قانونی خواهیم داشت:

واحد - سود دریافتی بابت سپرده قانونی  $۱/۵ = ۱۰۰ \times ۰.۱/۵$

F - هزینه‌های سربار (Over head) بصورت کلی برای یکسال تخمین زده میشود:<sup>۱</sup>

۳۰۰	میلیون ریال	ا- اجاره یا استهلاك ساختمان
۱۲۰	میلیون ریال	ا- حقوق مدیران عالی
۵۰	میلیون ریال	ا- حقوق مدیران میانی
۵۰	میلیون ریال	ا- حقوق کارمندان ارشد
۵۰	میلیون ریال	ا- سایر کارکنان
۱۵	میلیون ریال	ا- استهلاك اموال منقول
۵	میلیون ریال	ا- آب و برق و تلفن و متفرقه
۶۰	میلیون ریال	ا- شناسایی و تبلیغات
۶۵۰	میلیون ریال	جمع

G - با توجه به نرخهای سود بانکی (موضوع بخشنامه شماره ۵/۱۰۴۳ مورخ ۲۲/۱/۷۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و با احتساب  $۱\%$  افزایش نرخهای مذکور برای موسسات اعتباری و رعایت الزامات مربوط به توزیع بخشی تسهیلات موضوع بخشنامه مذکور، چنانچه امر توزیع بخشی برای موسسات مذکور بطور مساوی فرض شود، میانگین نرخ سود دریافتی ناشی از تخصیص منابع بشرح زیر خواهد بود:

بخش اقتصادی	نرخ (٪)
کشاورزی	۱۶+۱
صنعت و معدن	۱۸+۱
مسکن و ساختمان	۱۶+۱
صادرات	۱۸+۱
بازرگانی و خدمات	۲۴+۱
جمع	۹۷

میانگین نرخ تاثیر پذیرفته از توزیع بخشی ۱۹/۴٪ # ۵ - ۹۷

محاسبات:

الف - هزینه‌های تجهیز منابع:	(به میلیارد ریال)
سقف کلی تسهیلات (۱۵ برابر سرمایه)	$5 \times 15 = 75$
خالص منابع (پس از وضع سرمایه)	$75 - 5 = 70$
منابع سپرده‌ای مورد نیاز (D)	$70 \times \frac{100}{85} = 82$
خالص منابع سپرده‌ای قابل مصرف (با اعمال C)	$82 \times \frac{85}{99} = 81$
میانگین نرخ تجهیز منابع (B)	$(17 + 9) \div 2 = 13\%$
هزینه (بهره‌ای) تجهیز منابع	$81 \times 13\% = 10/53$
هزینه‌های بهره‌ای	$10/53 +$
سربار اداری و تشکیلاتی (F)	$1/65$
جمع هزینه‌های بهره‌ای و هزینه‌های سربار	$11/18$

ب: درآمدهای تخصیص منابع:

حالت اول: در صورتیکه نرخ سود دریافتی میانگین نرخ و براساس فعالیت‌های عمومی موسسه در نظر گرفته شود:

میانگین نرخ اعطای تسهیلات (G)	۱۹/۴
سود دریافتی حاصل از تخصیص منابع	$75 \times 19/4\% = 14/55$
سود سپرده قانونی (E)	$82 \times 15\% \times 1/5 = 11/5$
جمع درآمد تخصیص منابع	$14/55 + 11/5 = 14/73$
سود عملیات (ناویژه)	$14/73 - 11/18 = 3/55$
درصد (نسبت) سود به سرمایه	$3/55 \times \frac{100}{5} = 11/18$

حالت دوم: در صورتیکه نرخ سود دریافتی براساس نرخ فعالیت تخصصی موسسه (صنعت و معدن) فرض گردد:

حداکثر نرخ سود بخش صنعت و معدن	$18 + 1 = 19\%$
سود تخصیص منابع در بخش صنعت	$75 \times 19\% = 14/25$
جمع درآمد تخصیص منابع	$14/25 + 11/18 = 13/68$

$$\begin{aligned} \text{سود عملیاتی در بخش صنعت} &= ۱۳/۶۸ - ۱۱/۱۸ = ۲/۵ \\ \text{درصد (نسبت) سود به سرمایه در بخش صنعت} &= ۲/۵ \times \frac{۱۰۰}{۵} = ۴۰\% \end{aligned}$$

حالت سوم: چنانچه رشته فعالیت تخصصی موسسه «مسکن و ساختمان» باشد و حداکثر سود بخش مذکور (موضوع بخشنامه شماره نب ۱۹۸۱ مورخ ۷۳/۴/۱۶ بانک مرکزی) مبناء قرار گیرد:

$$\begin{aligned} \text{حداکثر نرخ بخش مسکن} &= ۱۵ + ۱ = ۱۶ \\ \text{سود تخصیص منابع در بخش مسکن} &= ۷۵ \times ۱۶\% = ۱۲ \\ \text{جمع درآمدها} &= ۱۲ + ۰/۱۸ = ۱۲/۱۸ \\ \text{سود عملیاتی در بخش مسکن} &= ۱۲/۱۸ - ۱۱/۱۸ = \boxed{۱} \\ \text{درصد (نسبت) سود به سرمایه} &= ۱ \times \frac{۱۰۰}{۵} = ۲۰\% \end{aligned}$$

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اگرچه هنوز دیدگاه‌های کاملاً روشن و اطمینان بخشی از ابعاد اقتصادی، حمایتی و سیاستی، پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان مؤسسات اعتباری قرار نداشته و تقریباً همه چیز بستگی به شرایط اقتصادی - اجتماعی و موضوع‌گیری و سیاست‌گذاری مقامات پولی و بانکی کشور دارد لیکن با فرض مناسب بودن زمینه‌های فوق و با عنایت به گرایش‌ها و سیاست‌های اخیر دولت در امر «خصوصی‌سازی» و با در نظر گرفتن اهداف تأسیس مؤسسات اعتباری به شرح زیر:

- ایجاد انگیزه بیشتر برای سپرده‌گذاران
- جذب سرمایه‌های سرگردان و بکارگیری آنها
- ایجاد رقابت (سالم) بین مؤسسات اعتباری و بانکها به منظور ارائه خدمات بهتر به جامعه
- خارج کردن بانک‌ها از «انحصار» و ارزیابی واقعی‌تر مدیریت آنها، در مجموع می‌توان تأسیس و فعالیت مؤسسات اعتباری را مفید ارزیابی نمود لیکن از آنجاکه احیای این مؤسسات پس از انقلاب اسلامی متضمن آثار اقتصادی - اجتماعی حساس و تعیین‌کننده‌ای می‌باشد بنابراین ضرورت دارد که رجال و مقامات پولی و بانکی کشور ضمن اعمال کنترل و مراقبت‌هایی که شرح آن گذشت، حمایت‌های لازم را نسبت به مؤسسات اعتباری از طریق تقویت باورداشت‌ها و ذهنیت‌های عمومی مبذول فرمایند. چه، موفقیت و عدم موفقیت این مؤسسات در درجه نخست به «مقبولیت و اعتماد عمومی» وابسته است. ضمناً به جاست بانک مرکزی با شناخت و ارزیابی بیشتر عملکرد این مؤسسات به تدریج نسبت به تعدیل حدنصاب‌های تحدیدی و کنترلی آنها و اجازه سایر فعالیت‌های بانکی اقدام

نماید. بهر حال می توان امیدوار بود که با «هدایت» و «نظارت» بانک مرکزی و متقابلاً «مدیریت» و «سلامت» مؤسسات اعتباری، افق های روشنی از فعالیت اینگونه مؤسسات متجلی گردد.

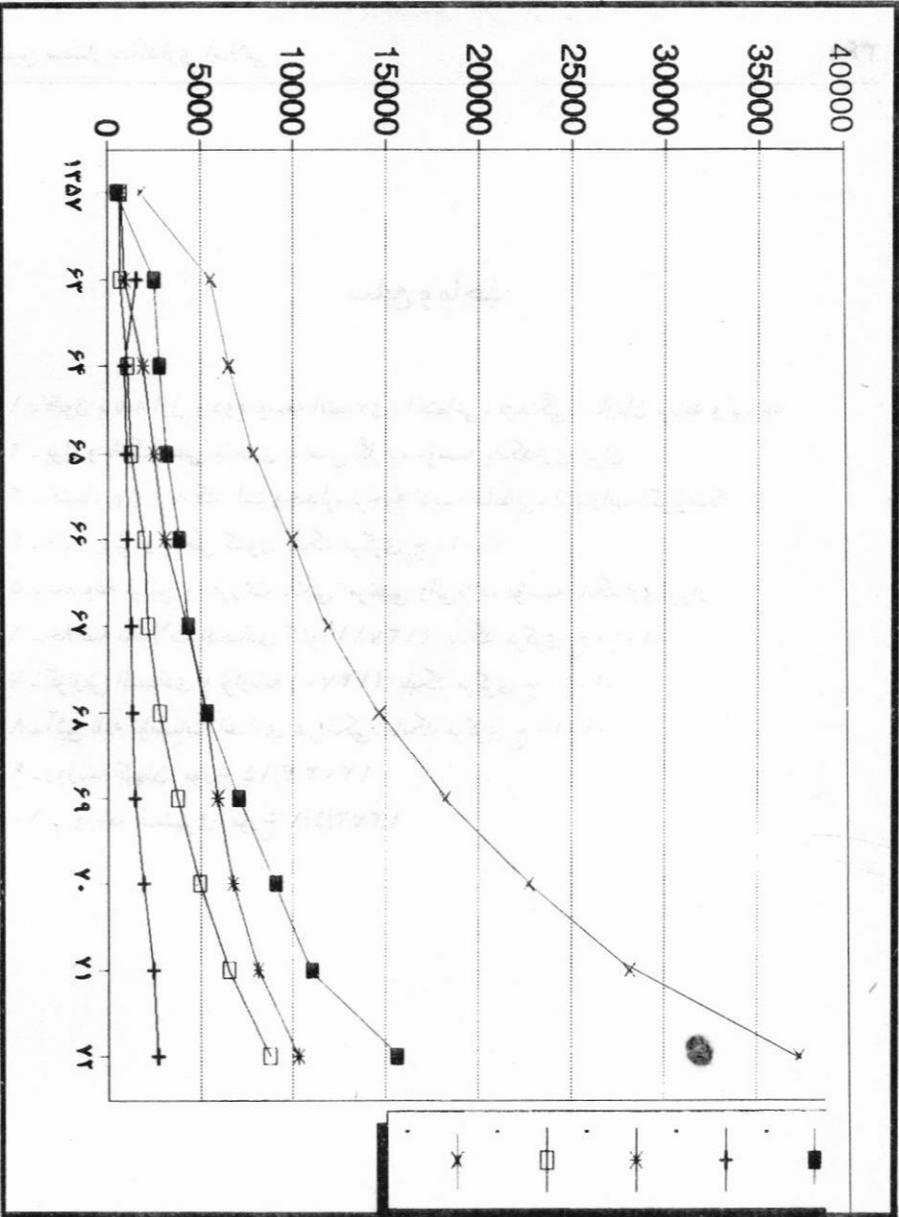
و اما نکته حساس و تعیین کننده در امر فعالیت مؤسسات اعتباری، «اهداف شخصی» مؤسساتین و اداره کنندگان این مؤسسات است که آیا صرفاً به اقتدار مالی و منافع شخصی می اندیشند یا توأمأ به منافع و مصالح ملی؟!!

در هر حال عنایت به نکات حساس ذیل، می تواند تا حدود زیادی استراتژی موفقیت آمیزی را برای مؤسساتین و مدیران مؤسسات اعتباری ترسیم کند:

- ۱- محافظه کاری و سلامت در اعطای تسهیلات
- ۲- خودداری از اعطای تسهیلات انحصاری، کلان و بلندمدت
- ۳- جذب منابع سپرده ای مردمی و خرد از طریق سیستم های تشویقی صحیح
- ۴- استفاده از تکنیک های شناسایی و رسانایی مناسب و مؤثر
- ۵- ارائه نوآوری، کیفیت و سرعت در خدمات و رقابت سالم با بانک ها
- ۶- ایجاد توسعه و تنوع در ارائه خدمات بانکی به منظور افزایش درآمدهای مؤسسه
- ۷- طرح و انعکاس تدریجی مشکلات و محدودیت ها به بانک مرکزی در جهت راه گشایی فعالیت های مؤسسه
- ۸- برقراری ارتباطات مناسب بین المللی برای جلب سرمایه گذاری و تأمین های مالی ارزی از طریق بانک ها و مؤسسات مالی خارجی
- ۹- ابتکار عمل و استفاده از شیوه های نوین و مترقی مدیریت متکی بر سیستم «بهینه کردن منافع» (Maximization) و «کمینه کردن هزینه ها» (Minimization)
- ۱۰- جذب و گمارش متخصصین، آگاهان و نوآوران حرفه بانکداری به عنوان بزرگترین کارآمدترین سرمایه مؤسسه.

## منابع و مأخذ:

- ۱- قانون برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی: سازمان برنامه و بودجه
- ۲- پول و بانک: علی ماجدی - حسن گلریز، مؤسسه بانکداری ایران
- ۳- اقتصاد پول و بانک: لستروچندلر، ترجمه ادیب سلطانی، انتشارات اکونومیکا
- ۴- قانون پولی و بانکی کشور: بانک مرکزی ج. ۱۰۱۰
- ۵- مجموعه قوانین و مقررات بانکی: مرتضی والی‌نژاد، مؤسسه بانکداری ایران
- ۶- خلاصه تحولات اقتصادی کشور (۱۳۷۱): بانک مرکزی ج. ۱۰۱۰
- ۷- گزارش اقتصادی و ترازنامه (۱۳۷۰): بانک مرکزی ج. ۱۰۱۰
- ۸- آئین نامه مؤسسات اعتباری غیربانکی: بانک مرکزی ج. ۱۰۱۰
- ۹- روزنامه کیهان: مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۵
- ۱۰- روزنامه همشهری: مورخ ۱۳۷۳/۵/۱



قرض‌الحسنه جاری  
 قرض‌الحسنه‌های متوسط  
 سیرده کوتاه مدت  
 سیرده بلند مدت  
 کل سیرده‌ها